

مکتوبات و در جواب به سئوالات بسیار در این باره نوشته شده است. و نیز در
 کتاب «تاریخ عقاید» در باب عقاید و مذاهب مذکور است که در این باره
 و در کتاب «تاریخ عقاید» در باب عقاید و مذاهب مذکور است که در این باره
 و در کتاب «تاریخ عقاید» در باب عقاید و مذاهب مذکور است که در این باره
 و در کتاب «تاریخ عقاید» در باب عقاید و مذاهب مذکور است که در این باره
 و در کتاب «تاریخ عقاید» در باب عقاید و مذاهب مذکور است که در این باره

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی امور

مذهبی در ایران

قبل از آنکه وارد مقصود شویم خوب است در باره عنوان مقاله توضیحی

بدهیم :

مقصود از امور مذهبی مسائلی است که رنگ مذهبی دارد و بعنوان
 مذهب، بصورت عقیده، عادت یا رفتار در بین مردم وجود دارد؛ حالا خواه
 واقعاً جزء دین باشد یا نه.

بلکه عاداتی باشد که تحت تأثیر شرائط خاصی بوجود آمده و باقی
 مانده است و یا افکار و عقایدی باشد که بدنبال بداندیشی‌های خاصی پیدا
 شده، و این بداندیشی‌ها معلول عوامل تاریخی؛ سیاسی، اجتماعی
 و یا فلسفی و یا تضاد و برخورد يك سلسله جریانات فکری است که
 بروز کرده و رفتندرفته ریشه دوانده و در اعماق افکار و اخلاق جامعه بصورت
 يك فطرت و غریزه ثانوی باقی مانده است.

میگوئیم: دربارهٔ امور مذهبی بررسی شود، مقصود از بررسی يك نوع تحقیق بر روشهای علمی و آماری صحیح است، ما معمولاً عادت کرده ایم که در بارهٔ امور اجتماعی حدس بزنیم و عملاً گرفتار يك نوع استدلالهای تمثیلی هستیم، یعنی از دیدن موارد معدودی، حکمی کلی میکنیم و خیلی زود طرح اصلاحی پیشنهاد مینمائیم. **معمولاً گرفتار قضاوت‌های شخصی هستیم** که این قضاوتها هم ریشه‌علمی صحیحی ندارد. مقصود از بررسی آنست که طریقی را بیمائیم تا امور مذهبی را آنطور که هست؛ درك کنیم. یعنی واقعاً درك کنیم که مذهب در این مملکت چه موقعیتی دارد، چه عاداتی بجهت‌نسبتی بنام مذهب وجود دارد، مردم در بارهٔ مذهب چه فکر میکنند، فکر دینی آنها برایشان چه فلسفه‌ئی بوجود آورده، آیا آنچه را که بنام يك فکر و عقیده مذهبی پذیرفته‌اند چیست؟ مردم چه کارهایی بنام دین انجام میدهند، چه پول‌هایی در چه راه‌هایی خرج میکنند، اینها را خوب تشخیص بدهیم و حساب کنیم.

خواهید گفت که چه فائده‌ای دارد؟ باید عرض کنم اگر این کار درست انجام شود و ما راستی بتوانیم با يك بررسی صحیح واقعیت امر را درك کنیم، آنوقت زمینه برای بسیاری از خدمات مذهبی فراهم‌تر و کارها اصولی‌تر میشود...

مامیل داریم دین در جامعه ما پیشرفت کند، دینداران بیشتر شوند، احکام مذهبی اجرا شود، مردم تربیت صحیح دینی شوند؛ اسلام را آنطور که هست بشناسند، با خرافات و افکار انحرافی، و بداندیشی‌ها مبارزه شود، مفاسد اخلاقی و مظالم اجتماعی ریشه کن شوند، دین برای مردم انگیزه ترقی، سعادت، حیات، پیشرفت مستمر و همه‌جانبه، استقلال

و آزادی، خیر و صلاح باشد، و خیلی چیزهای دیگر...
 اما ماهنوز نیروهای خود را ارزیابی نکرده ایم، از بودجه مذهبی
 خود خبر نداریم.

از امکانات واقعی مذهب بیخبریم، از نوع فکر مردم، عادات
 و آداب و اخلاق مردم که بنام مذهب در بین آنها رایج است ارزشیابی و
 حساب دقیقی نکرده ایم.

ما درست نمیدانیم که با چه نقاط مثبت و منفی و با چه تفکرات و
 نیروهایی در جامعه مواجه هستیم، آنچه هست، چیست و در چه میزانی
 است و از کجا سرچشمه گرفته تا درست و حساب کرده مشغول کار شویم.

اما اینکه گفتیم «امور مذهبی در ایران» نه از آن جهت است که
 مذهب در ایران، یا غیر ایران باید بصورت خاصی باشد و یا مرزهای
 سیاسی، مرزهای فکری و دینی بوجود بیاورد و برادران مسلمان را از هم
 جدا کند، نه!

مقصود اینست، که چون بنای پیشنهاد یک بررسی و تحقیق است،
 و این بررسی اول باید از یک نقطه محدود تر شروع شود و کم کم بسایر
 مناطق برسد. وانگهی ما نمیخواهیم اصل اسلام و دین را بررسی کنیم،
 که بگوئیم اسلام برای ترک و فارس و عرب و عجم یکی است، نه!
 ما میخواهیم موقعیت مذهب را مطالعه و بررسی کنیم و مطمئناً چون
 محیط ایران شرایط خاصی از نظر جغرافیائی، تاریخی، سوابق، حکومتها،
 زبان، نژاد و آداب و عادات محلی و روحیه‌های خاص منطقه‌ئی و غیره دارد.
 و این شرایط در رنگ دادن بمذهب تأثیر بسزائی داشته‌اند، که مطمئناً
 این اوضاع و احوال در مناطق دیگر بصورت‌های دیگری بوده و تأثیرات

دیگری کرده و رنگ خاصی ب مذهب در آنجاها داده است ، بنا بر این اگر بنا باشد قیافه مذهب را آنطوریکه درین جامعه وجود دارد بررسی کنیم مطمئناً باید بررسیهای خود را بطور مستقل انجام دهیم و نتیجه بررسی در هر منطقه ای بصورت خاصی در خواهد آمد ، که نقاط اشتراك و امتیاز هر دورا دارد .

اکنون باصل طرح میپردازیم : نظر این است که راهی پیشنهاد کنیم تا بوسیله آن بتوانیم کلیه افکار و عقاید ، عادات و رفتارها ئیکه بنا مذهب وجود دارد ، درك و قیافه دین را در جامعه خود بشناسیم ، برای این منظور باید بررسیهای علمی معمول را که درباره امور اجتماعی در دنیا اجرا میشود ، در نظر گرفت و از آنها استفاده کرد ، مثلاً پرسشنامه هائی تهیه کرد و یا مصاحبات حضوری انجام داد و بعنوان نمونه مثلاً پنج هزار نفر از طبقات مختلف : شهری ؛ دهاتی ، اهل مرکز ؛ کارمند ، کارگر ، بازاری ، مردم نادار ، متوسط ؛ اشرافی ، واعظ ، روحانی ؛ تحصیل کرده ؛ بیسواد ؛ پیر و جوان ، زن و مرد ، از مردم ساحل نشین ، نقاط گرمسیر و معتدل از کرد و بلوچ ، بختیاری ، ترک و فارس ، عرب و ... بالاخره از طبقات مختلفیکه در همین مملکت وجود دارند ، از هر طبقه بر اساس انتخاب تصادفی . مثلاً دو یست نفر را در نظر گرفت و از آنها طی مصاحبه و یا بوسیله پرسشنامه ای خواهش کرد تا توضیح دهند در ضمن یک هفته اعمالی را که بعنوان مذهب انجام میدهند چیست و بعد میشد نتیجه این بررسی را بضمیمه بررسیهای دیگری که پیشنهاد میشود بعنوان نمودار ناقصی از وضع عمومی رفتار مذهبی مردم این سر- زمین مورد توجه قرار داد .

نتیجه این بررسی تابلو جالبی بود که همه چیز در آن پیدا میشود،

مسائلی بود که جزء مسائل اساسی اسلام بود، و اموری بود که بکلی از آن بیگانه و بعضی مسخ شده و تحریف و تغییر یافته بود. شمار این تابلو آشفته همه چیز میدیدید:

نماز- اذان- دخیل بستن- نذر- شمع روشن کردن- فال- استخاره-
 دعا نویسی- روضه خوانی- کمک بفقیر کردن- مسجد ساختن- کمک
 بتعمیر صحن و ضریح کردن- زیارت رفتن- پول نذری در ضریح انداختن-
 سوروسات مرده خوری راه انداختن- جشن گرفتن- تعزیه گردانی-
 عزا داری- ختم- لعن- دعا- سینه و زنجیر زدن- درس دینی خواندن-
 مسئله گفتن- منبر رفتن- خمس و سهم دادن- سفره دادن- افطاری دادن-
 دیدن علماء و سادات رفتن- دست بوسیدن- نبات تبرک کردن- و خیلی
 چیزهای دیگر که البته میتوان احتمال داد و در نتیجه آن بررسی بدست
 خواهد آمد، البته باید این اعمال را باهم سنجید و نسبت بین آنها را
 بدست آورد و حساب کرد که هر يك از این امور در چه سطحی قرار دارد...
 نتیجه تحقیق فوق را جمع و تنظیم کنیم و سپس از طریق دیگری

وارد شویم:

مثلا از دو سه نفر از مراجع محترم خواهش کنیم که اجازه فرمایند
 تا مجموع استفتاءاتیکه ضمن یکماه از آنان بعمل میآید بررسی شود،
 اگر این دوسه نفر آقایان از نواحی مختلف باشند بهتر است، و مثلا اگر
 ضمن یکماه برای سه مرجع بزرگ، سه هزار نامه رسیده، سؤالاتی را
 که مطرح شده جمع و تنظیم و طبقه بندی کنیم و مثلا به بینیم چند استفتاء
 مربوط به طهارت، نماز، موقوفات، مسائل سفر، شك، معاملات، مسائل

اجتماعی؛ امر بمعروف و نهی از منکر، طرح شبهات و اشکالات و غیره میباشد تمام این سؤالات هم دسته بندی شود و مراتب و تعداد اشخاصیکه بهر يك از این نوع مطالب یرداخته اند روشن گردد ،

و نیز ممکن است تعداد ملاقات کنندگان يك مرجع و منظور آنها رادر يك ماه مورد بررسی قرار دهیم ، مثلا اگر ضمن يكماه بطور متوسط ۳ هزار نفر با يك مرجع بزرگ تماس گرفته اند ، چند نفر برای دست بوسی آمده اند و چند نفر برای صرف تشریف بخدمت .

و بالاخره چند نفر سؤال یا پیشنهادی یا مشورتی داشتند و این سؤالات در چه زمینه هائی بوده است ، چند نفر برای استخاره آمدند ، و چند نفر برای گرفتن اعانه در خواست کمک و چند نفر برای مسائل دیگر ، و این مطالب و مسائل در چه حدود و بجهت نسبتی است .

و بدین ترتیب تا حدی زمینه فکری و روحی مردم متدین را بدست آورده ایم .

اجازه بدهید کمی بتحقیق خود ادامه دهیم و از همان جمعیکه از طبقات مختلف انتخاب کرده بودیم ؛ چند سؤال دیگر بکنیم ، البته باید سعی کرد طوری سؤالات ساده و جالب مطرح شود که بخوبی بتوان منظور خود را بتمام گروه های مورد تحقیق فهماند ، در این مرحله سؤالاتی از این نوع مطرح میکنیم که :

اگر کسی اموال شما را غصب کرد و تعقیب او برایتان زحمت داشت آیا بهتر صلاح میدانید که صبر کرده و اجر خود را از خدا بگیریید و یا تا نفس دارید میکوشید تا آنرا از حلقوم غاصب بدر آورید؟
اگر بچه شما مریض شد و از دنیا رفت ، آیا خدا خواسته و باید

راضی بود و یا ممکن است خود شما هم در این زعینه تقصیر داشته‌اید و در مداوای او سعی کافی نکرده‌اید .

آیا اگر بیکار هستید تقدیر شما چنین بوده ، یا عواملی از قبیل

سستی و تنبلی و عدم دور اندیشی خود و یا عوامل اجتماعی و اقتصادی عمومی و نبودن کار و غیره در آن مؤثر است ؟

آیا بهتر دوست میدارید که خداوند روزی شما را از مرثابتی

برساند و شما احتیاج بکار و فعالیت نداشته باشید و بعبادت مشغول گردید ، یا دوست دارید کار مناسب و مفیدی برای خود و اجتماعتان گیر آورید ؟

اگر گاهی عجله داشته باشید و دنبال کار شخصی می‌روید و ملاحظه

کنید که خطری خانه و زندگی همسایه را تهدید میکند آیا حاضرید جاو ضرر همسایه را بگیرید و از کار شخصی چشم‌پوشید یا بالعکس کار غیر را بخدایم سپارید و بکار خود پردازید .

حالا که حسین بن علی (ع) شهید شده و خاندان مقدسش آنهمه

مصیبت دیده‌اند ، وظیفه ما نسبت به آنحضرت چیست ؛ گریه کنیم ؟ زیارت رویم ؟ مبارزه با ظلم کنیم ؟ یا آنحضرت اظهار علاقه کرده و دوستدار حضرت باشیم ؟ یا همه اینکارها را انجام دهیم ؟ بچه نسبت ؟

آیا بهتر نیست که ما حتی الامکان خود را از اجتماع آلوده

کنار بکشیم و دین خودمان را حفظ کنیم . یا باید حتماً وارد مقامات حساس اجتماعی شد و از موقعیتها برفع دین و جامعه استفاده نمود ؟ و در اینصورت با آلودگی‌هایی که ممکن است برای خود ما پیش آید چکنیم ؟

و در این زمینه میتوان سؤالات جالبی تهیه کرد و بعد از مجموع

جوابها و نسبت آنها درك و نظر مردم را نسبت بمسائل قضا و قدر ، توکل ،

تقیه، همکاری، مسئولیت و غیره روشن کرد و این قبیل روحیات از مهمترین مسائلی است که زمینه و پشتوانه بسیاری از رفتارهای مذهبی مردم را تشکیل میدهد و در وضع موجود و سرنوشت يك جامعه تأثیر بسزائی دارد .

البته هنوز هم این تحقیق ناقص است و باید از طرق دیگری هم

وارد شد . . .

مثلا بررسی تعداد کتابهای مذهبی که ضمن سال منتشر میشود و میزان تیراژ و مصرف هر يك از آنها در سال در نظر گرفته شود ، چند رساله ، چند کتاب دعا ، چقدر زیارتنامه ، چند کتاب تاریخی و چه اندازه کتابهای روانی ، اجتماعی ، تحقیقی ، اقتصادی و . . . در زمینه مسائل مذهبی . . . و بعد کتابهایی که بیشتر مصرف دارند خلاصه از ابواب آن و نوع مطالبی که در آن مورد بحث قرار گرفته تنظیم میشود و شاهد خوبی از علائق مذهبی و رغبتهای دینی آنان و نوع تفکراتشان در این زمینه بود . . .

اگر اجازه بدهید يك کار دیگر هم بکنیم و آن اینکه بطور تصادفی چند مجلس روضه و وعظ و تبلیغ بزرگ و کوچک ، دهکی و هفتگی انتخاب کرده و بدون آنکه گویند کان متوجه باشند ، مجموع مطالب ، مثلا پنجاه مجلس مختلف آنرا ضبط میکنیم و اگر اینکار را در دهات و شهرستانها هم انجام دهیم نتیجه بیشتری خواهیم گرفت ، بعد مجموع این گفتهها را پیاده میکنیم ، جمع و جور و تنظیم و دسته بندی میکنیم . خوب بود در این نوع کار خود بچند مجلس دعا و همچنین چند ساعت در یکی از اعیان مقدسه . دعاها و شعارها و زیارتنامههای آن ضبط شده و تلخیص و طبقه بندی میشود و همچنین مطالبی که در مساجد بین نماز و بعد از آن

مطرح میشود ...

البته هنوز زود است که ، قبل از اجراء این تحقیق و تهیه آمار مربوطه قضاوت کنیم و متأسفانه ماعادت به تحقیقات و مطالعات عینی نداریم ما به انحرافات اخلاقی و عملی و بدبینیها و بی رغبتیها ، تاخت و تاز زیاد میکنیم و زمین و زمان را مسئول و مؤاخذ میدانیم ولی هنوز بخود آن زحمت را نداده ایم که امور را آنچنانکه هست ، به بینیم و در باره آنها براستی تحقیق کنیم ، حد اقل همین تحقیقاتیکه حالا در بسیاری ممالک در مورد امور و مسائل اجتماعی شایع و معمول شده ما هم انجام دهیم .

انصاف بدهید که هر يك از ما و لو خیلی باطبقات مختلف تماس داشته باشیم نمیتوانیم جامعه را درست درك کنیم ، هر چند هم نویسنده زبردستی باشیم و یا گوینده توانائی . بالاخره هر چه باشیم در يك شهر زندگی میکنیم و بایک سری مردم و یا لاقل جمعی معدود از چند طبقه تماس داریم ؛ در شرائط خاصی با آنها مواجهیم ، آنها با ما ممکن است واقعیات را نگویند ، رودریاستی داشته باشند و مدهاند کنند .

بالاخره چه میشد اگر روش کار ما در قضاوتهای اجتماعی عوض میشد ، اول بررسی میکردیم و بهمه طبقات سر میزدیم ، زندگی آنها را مطالعه مینمودیم ، چه فکر میکنند ؟ چه عمل میکنند ؟ و چه عاداتی و آدابی دارند .. ؟

ماهوز آمار مساجدیکه در این مملکت داریم در دست نداریم ، تحقیق میکردیم که چند مسجد داریم ؟ چند تکیه ؟ و چند زیارتگاه ؟ چند سقاخانه ؟ چند قدمگاه و اثر قدم مبارک و شمشیر و نیزه ؟ . در چند نقطه درخت نظر کرده وجود دارد ؟!

اگر آمار دیگری هم در دست بود، بدنبود، مدرسه‌های دینی چند عدد هستند، در سراسر مملکت چند عالم روحانی وجود دارد؟ عدد طلاب چقدر است؟ چند نفر واعظ؛ مبلغ، روضه‌خوان، مداح داریم.

اگر ادبیات خودمانرا هم بررسی می‌کردیم بدنبود، نوع اشعار یکه بعنوان مذهبی رائج است، دویتی‌ها، قصیده‌ها، ضرب‌المثل‌ها و بعد اشعار مصیبت، مدحها، نوحه‌سرائیها همه اینها جمع و نمونه گیری میشد، اینها هم نیز شاهد خوبی از افکار و احساسات مردم بود.

فکر میکنیم زحمت کار خیلی زیاد شود و **الایک پیشنهاد دیگر** هم میدادیم و آن اینکه از جمعی مثلاً بهمان نحو که قبلاً تصور شد، از مکالمات روز مره آنها مقداری ضبط میشد.

و بعد آنچه رنگ مذهبی داشت استخراج می‌کردید: قسم‌ها - دعاها - اصطلاحات - از کار و ضرب‌المثلها جمع میشد، اینها هم خیلی جالب بود، و میتوانستیم روحیه مذهبی و درک آنان را از مذهب از خلال این کلمات بفهمیم.

مثل اینکه این سلسله بررسیهای پیشنهادی ما دنبال دارد. و می‌توسیم که سنگ بزرگ نشان نزدن باشد، الا اینکه، هم ما میدانیم و هم شما، که حالاها باین قبیل کارها دست نمی‌زنیم، و هنوز موقع آن نرسیده که این مسائل را هم بحساب آوریم، شاید اغلب ما احساس احتیاجی باین تحقیقات نکنیم و حتی آنها را زاید پنداریم.

اگر از اغلب سؤال کنیم که مردم در باره مذهب چه فکر میکنند

وامور مذهبی چه وضعی دارد فوری مشغول قضاوت میشدیم
اگر منبری باشیم، سخنرانی غرائی در باره آن ایراد میکنیم.

اگر نویسنده باشیم فوری قلم را بدست گرفته و خیلی هم خوشحالیم که مطلب ما بیدار است و احتیاجی به مطالعه و مراجعه ندارد و باصطلاح سوژه غنی است.

اگر شاعر هم باشیم داد سخن میدهیم و تابلوئی در ظاهر از عقیده و فکر و عمل مذهبی مردم - ولی در واقع از تصورات شخصی خودمان - در خلال اشعار زیبا ترسیم میکنیم.

بنا بر این بنظر میرسد در مقابل این پیشنهاد اولاً گفته شود احتیاجی نیست، ما خوب میدانیم مردم دربارهٔ مذهب چه فکری میکنند و نقش مذهب در بین آنها چیست؟ و اگر بیشتر صحبت کنیم، خواهند گفت، حوصله دارید! کی باینکارها خواهد پرداخت؟ **و این مسائل چه نفعی خواهد داشت؟** تازه اگر خیلی زیر دست باشیم و بتوانیم اهمیت این تحقیقات را در شناخت موقعیت مذهب و آداب و رسومیکه بنام آن شایع است، اثبات کنیم، تازه خواهند گفت، باچه پول و بودجه‌ای؟ و باچه افراد و وسیله‌ئی، ما این کار بزرگ را انجام دهیم، **شما این کار کوچک را شروع کنید**، همانقدر که در امکان است، رفتدرفته راه برای تحقیقات باز میشود، ما عادت بکارهای نو نداریم و لو خیلی مفید باشد، ما باروش تحقیق علمی و عینی آشنائی نداریم و لذا دنباله بهانه میگردیم که با اینگونه پیشنهادها را تحقیر کنیم و یا اصلاً آنرا محال و ممتنع شماریم..

در هر حال ممکن است و لو برای امتحان باشد یک قسمت از این

پیشنهادات را عمل میکنیم تا برسیم به بقیه، **اگر باز هم بگوئید بودجه**

نداریم و افراد و وسیله در اختیار نیست، در جواب مسائل دیگری را

مطرح خواهیم کرد. خواهیم گفت: شما بقدر کافی فرد برای همه کاردارید همان آمار مربوط بطلا، بور و حانیون و وعاظ... اگر در دست بود میدانستیم چند هزار فرد در این مملکت برای تبلیغات و خدمات مذهبی وجود دارد، البته در درجات مختلف بعضی لایق و شایسته و گروهی نالایق... کمان میکنیم این آمار از صد هزار نفر هم تجاوز کند، در بین آنها همه گونه استعدادهایی می بینید. آنها برای امور مختلف استعداد دارند ولی باید هر دسته‌ئی را برای منظوری آماده کنند.

اما بودجه: همین آقایان بالاخره بنحوی زندگی میکنند و کم یا زیاد، خوب یا بد زندگی آنها تأمین میشود.

از چه راهی؟ - از راههای مختلف بعنوان مذهب... بالاخره مجموع این پول رقم بزرگی است که بهر نحوی هست در می آید، و با هر وضعیتی که هست خرج میشود، پس اینهم بودجه...

منتهی چه کنیم که سروته کار معلوم نیست و خیلی از چیزها آشفته است، تمرکز نیست حساب نیست، ارزشیابی ضعیف و توازن در صرف

بودجه و ارزش خدمات وجود ندارد، علوم انسانی... بگذارید وارد مسئله بودجه نشویم والا بساز بفکر پیشنهاد مهمی

میافتیم. تا بررسی و تحقیق وسیعی که در نتیجه آن آمار دقیق بودجه ای که بعنوان مذهبی ضمن سال فراهم میشود تهیه گردد.

البته این رشته سردراز دارد، بگذارید در فرصت مناسبی این بحث را جدا گانه مطرح کنیم.

در هر حال، هم فرد داریم و هم بودجه و هم وسیله، ولی بصورت مواد خام، تربیت نشده و پراکنده... خیلی کارها میشود کرد، اما ضرورت بعضی

مسائل باید درك شود تا بدنبال آن برویم .

برگردیم باصل مطلب : اگر مذهب را در مملکت خودمان با بررسیهای دقیق درك کردیم و تفسیری را که مردم از آن دارند شناختیم و مجموع آنرا خیلی بیطرفانه و منصفانه در يك کتاب خلاصه کردیم ، آنگاه موقع نامگذاری میرسد ، شاید بعضی میل داشته باشند که این مجموعه را بنام مذهب اسلام بنامیم ، همانطور که این رفتارها و افکار بنام اسلام معروف شده و با اسم دین تلقی میشود ، ولی ما خواهش میکنیم که نام آنرا «مذهب ایرانیان» در قرن حاضر بگذاریم .

اکنون احتیاج بکتاب دیگری داریم که اسلام را پی رایشه و آنطور که متن و واقعیت آنست نشان دهد و آزاد از هر گونه شائبه و بداندیشیها و عادات و آداب محلی و موسمی و تفکرات شخصی باشد (که اینهم خود کار مشکلی است و در خور يك سری بحث جداگانه و مستقل) . اگر اینطور کتابی داشتیم ، بعد با آنچه را که از مذهب جامعه ایرانی کشف کردیم مقایسه میکنیم و به بینیم چه نسبت و رابطهای بین آن دو موجود است ؟ اشکال کار در کجاست ؟ چه قدر با حقیقت اسلام فاصله داریم ؟ درباره مذهب کج فکر میکنیم ؟ چه بد اندیشی هائی داریم ، **چه عاداتی را که بنام مذهب قالب کرده ایم ؟** ، چه خرافاتی را بحساب دین معتقدیم و عمل میکنیم ...

و اکنون هم روی همین کج رویها و کج فکریها و فلسفه های غلط و عادات و خرافات ، چه پولها خرج میکنیم و چه تبلیغات میکنیم ، هنوز هم مقدار زیادی از بودجه های مذهبی خرج ترویج همین انحرافات میشود ، نیروهای زیادی در همین راهها بهدر میرود .

مطالعه درباره عوامل فساد و بیدینی و تعداد بیدینان و نیروی آنان

وبالآخره هرچه که در کنار مذهب با آن مبارزه میکند آن خودداستانی است و حساب دیگری میخواهد.

اما قبلا توجه باین مطلب لازم است که بنام مذهب در گوشه و

کنارچه میگذرد؟ و چه نیروهائی مصرف میشود، چه بودجه هائی خرج

میشود، چه مسائلی بحساب دین گذارده میشود؟ در مجالس چه خبر است؟

در مدارس و در مساجد چگونه؟ این مطالب بخوبی بررسی شود تا به بینیم

کدام قسمتش صحیح است و اشکالاتش در کجاست؟ این امور را بشناسیم

تا به بینیم **وسائل تحزیبی داخلی** اگر بیشتر از موجبات تحزیبی بیرونی

نباشد، کمتر نیست، و ضرر اینها خیلی زیاد است و اثرش عمیقتر. عیب

بزرگ آنست که بنام دین عمل میشود و بحساب آن گذارده میشود...! اینها

را خوب بشناسیم، اقلاب در آشناسویم، یعنی فنی و دقیق، در درابشناسیم.

تا مقدمه ای برای درمان اصولی باشد، شاید فرصت درمان هم برسد...

پایان

شعبه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی